

روز شانزدهم آذر دانشجوین دانشگاه تهران با شهیدان خویش تجدید عهد میکنند

برگشت بسوی ملت یا نیرنگ و دفع الوقت؟

دستگاهی که در سال گذشته بدون کمترین توجهی بآمال ملی با زور سرنیزه حکومت کرده و هرگز درصد برنیامد است نظر اکثریت مردم را جلب کند و فرصت دستمگزاری به شایسته ترین عناصر ملت بدهد در طی چند ماه اخیر به زبانهای مختلف از جلب اعتماد مردم سخن میراند و از رهبران ملت توقع همکاری دارد و حاضر است گذشته ها را نیز فراموش کند و شروع انتخابات را ب مردم نوید میدهد. برای مردم آگاه و بیدار ما که در گذشته شاهد خلف وعده و زورگویی و قانون شکنی بیسابقه دستگاه حاکمه بود هاند این تغییر لحن و رویه حقا "سئوالات و تردیدهای بسیار پیش میآورد. آیا در این اظهارات مصیبتی وجود دارد و این آشتی جوئی و تظاهر به جلب افکار عمومی از درك واقعی مسائل برخاسته است یا مانند سایر سخنان و وعده های سالهای اخیر تنها از مقوله "تبلیغات عوام فریبانه و مانورهای سیاسی است؟ آیا فشارهای داخلی و خارجی ضرورت بعضی ظاهر سازیهای فریبنده را پیش آورده یا به حقیقت به اشتباهات هولناک گذشته پی برده هاند و در فکر تعدیل رفتار خود برآمد هاند؟ آیا این دست آشتی که بسوی ملت و پیشاهنگان مبارزه ملی ایران دراز کرد هاند فریبی نیست و آیا این سخنان مسالمت آمیز و وعده انتخابات مانسند همه گفته های گذشته برای دفع الوقت و به عقب انداختن لحظه بر خورد با واقعیات اجتناب ناپذیر ایراد نشد هاست؟

اگر نه اینست و در دعوی خود صادق هستند و به "حقوق اشخاص و دستجات" احترام میگذارند و به گفته "علم" در تحمیل عقاید مخالف آنقدر بردباری نشان میدهند که مایه شگفتی همگان خواهد شد "چرا دکتر مصدق پیشوای ملت را در زندان نگهداشته اند و حتی اجازه دیدار به او نمیدهند؟ چرا با جبهه ملی که تنها سازمان سیاسی مورد اعتماد ملت ایران و مظهر آرزوهای آنست مانند یک جمعیت غیر قانونی رفتار میکنند و حتی اجازه بردن نام آن را در جراید نمیدهند؟ چرا رهبران جبهه ملی را به زندان می اندازند؟ چرا همه حقوق اولیه را از ملت ایران سلب کرده اند جلوی تجمعات را گرفته اند مطبوعات را دچار سخت ترین و شرم آور ترین سانسورها و آزاد یخواهین را گرفتار اختناق کرد هاند و از انتخابات باز برای هفت ماه دیگر طفره رفته اند؟

اگر ناقه و سهای خطر در گوشهای ناشناسرانجام به صد آمد هاست و قویاد تهدید آمیز آنها مجالی برای ادامه غفلت نگذاشته است و اگر میبینند که بیش از این نمیتوانند به کمک عوامل ظلم و فشار خود را در برابر خشم ملت نگهدارند چرا در ادامه شیوه های گذشته اصرار میورزند؟ چرا حتی در این مرحله نیز هیئت حاکمه به جای پوزشخواهی از گذشته به جای آنکه در پیشگاه ملت ایران به اشتباهات و سوء جریانات ۹ ساله پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اعتراف کنند و از فراموش کردن و بخشودن گذشته میزنند آنکه باید فراموش کند و آنچه باید فراموش شود مورد سوء تفاهم قرار گرفته است. هنوز این حقیقت بد رستی شناخته نشده است که ملت ایران خود را از بابت گذشته دچار غبن و زیان عظیم میدانند و این ملت ایران است که حق دارد اگر صلاح بداند گذشته ها را فراموش کند آنها که توطئه غد ملی مرداد را برپا کردند و آنها که در طول ۹ سال حق شکنی و آزادی کشی ضربتهای جبران ناپذیر بر حیثیت ملی خزان مملکتی و اخلاق و روحیه اجتماعی ایران زدند چنان عائی در مورد فراموشی گذشته دارند؟

هیئت حاکمه در مقام فراموشی کدام گذشته است؟ دوران سیاه بعد از ۲۸ مرداد یا روزهای درخشان مبارزه ملت ایران بر ضد استعمار خارجی و عوامل و نوکران داخلی آنها؟ روزیائی که در ریندگی بیگانمفارت منابع ملت و زیر پانهان حقوق افراد ایرانی گذشته یا دورانی که ایرانیان برای نخستین بار مزه آزادی و افتخار را چشیدند و دماغ امپریالیسم را به خاک مالیدند؟ آیا آنها میخواهند ملت ایران را از مردانگی ها و دلیری ها کفشان داد هاست ببخشند یا ملت ایران باید ایشان را به خاطر ۹ سال تیره روزی و سرشکستگی خود ببخشد؟ جبهه ملی صرف نظر از اینکه گذشته را فراموش کند یا نکند آماده خدمت به ملت قدر شناس ایران هست. در گذشته جز خدمت به میهن هیچ چیز عرضه نکرده است. خدمات آن بی وقفه بوده است. مردان آن چه در میدان مبارزه و چه در کنج زندان پاسبان مصالح ملت بودند و در هر حال مجال خدمت تنگ نیست اگر چه شکل آن متفاوت است. در حکومت ملی شکلی و در مقابله با حکومتهای غد ملی شکلی دیگر دارد. اما گذشته ای که هیئت حاکمه باید آرزو فراموشی آن را داشته باشند تاریخ و ننگ بار است. فراموشی این دوره نه در اختیار هیئت حاکمه است و نه هیچ مرجع دیگر. ملت ایران است که باید با تظاهر آزادانه اراده خود آنرا ارزیابی کند و نسبت به آن تصمیم بگیرد. کوفتای ۲۸ مرداد که بمناسبت آن دستگاه حکومتی از طرفی به رهبران ملی و قهرمانان آزادی میتازند و از طرف دیگر از همانها دعوت به استفاده از فرصت دستمگزاری میکنند آغاز دوره سیاهی از تاریخ ایران است که شمردن نتایج آن خون به چشمان هم ایرانی غیرتصند میآورد. و نتیجما این کودتا آن شد که حکومت کردن از دولت قانونی با مسئولیت سلب و بسطت بی مسئولیت اعلیحضرت ضمیمه شد و عمر مشروطه عملا "در این کشور پایان یافت. اراده شخص اعلیحضرت علیرغم قانون اساسی حاکم بر جزه و کل امور گردید مجلس تبدیل به خدمتگزار قوه مجریه شد و قوه مجریه به نوبه خود از چاکران و خانه زادان و مباشران و نه حافظان منافع مردم ترکیب یافت. در این دوره بود که حق هر گونه اظهار نظر از مردم

ایران سلب شد زندانها را از آزاد یخواهان انباشتند و بانگ اعتراض وطنخواهان را به ضرب سر نیزه خاموش ساختند . عناصر غیر ملی زمام امور را بدست گرفتند و خد متگزاران خانمشین شدند . فرزندان برومند ملت در محیط مدرسه و دانشگاه با شلاق پلیس و چماق چتر بازان مجروح و مصدوم و مقتول گردیدند اسلحه سربازان که باید پاسدار میهن باشد به سینه جوانان پر شور وطن دوست حواله شد . جای سازمانهای سیاسی ملی احزاب فرمایشی بی آبرو تحمیل بریت المال عمومی اجازه فعالیت یافتند . در همین دوره بود که استقلال و حاکمیت ملی مأمور سخت ترین لطامات قرار گرفت . اکنون اگر هیئت حاکمه صاد قانه قصد دارد از خواسته های اکثریت مردم تبعیت کند و بسوی ملت بازگردد لازمه آن ارزیابی صحیح واقعیات تلخ گذشته است تنها از راه درک این اشتباهات است که میتوان از تکرار آنها در آینده جلوگیری کرد باید دید که هیئت حاکمه صمیمانه خواستار جلوگیری از تکرار خطاها است یا فقط در مقام پیروی از سیاست اعطاء کمترین امتیاز ملت در برابر بزرگترین فشارها است و میکوشد که در مقابل خشم مردم به ارزانترین وسائل دفع الوقت کند . مردم ایران در سالهای اخیر شاهد آنچنان وعده های دروغین شرم آور در دستگاه بود هاند که دیگر حاضر بقبول حرف عمل هیئت حاکمه نیستند . فقط از طریق اقدامات و روشن در راه بازگرداندن آزادیهای فردی و اجتماعی است که مرته رفته میتوان اعتماد مردم را بدست آورد و از شدت بحران کنونی کاست . بکار بستن هرگونه نیرنگهای کم ارزش سیاسی نظیر آنچه در گذشته دیده شده است جز افزایش خشم عمومی در مردم اثر دیگری نخواهد داشت .

بمنوانه اسکناس کشور در سر خطر است ؟

در شماره ۳۹ اخبار جبهه ملی قسمتهای از مقاله آقای بهنیا وزیر ارای دولت غیر قانونی که در شماره ۳ و ۴ مجله تحقیقات اقتصادی چاپ شده است منتشر گردید و نتیجه مآلهایشان در باره وخامت اوضاع مملکت و مسئولیت گردانندگان وضع بشرح زیر باطلاع عموم رسید . " بدون شك سال جاری از نظر مالی از مراحل سخت تاریخ مملکت است و اگر وضع ادامه یابد نتیجه آن ورشکستگی است و این ورشکستگی یقیناً بتقصیر محسوب میشود " اینک باید دید آقای وزیر ارای که خود مسئولیت عمده وضع مالی و اقتصادی را بعهده دارند چه تدبیری برای رفع مشکلات اندیشید هاند و چه نقشهای طرح کرده اند تا از این ورشکستگی بتقصیر جلوگیری کنند . پس از اعتراف صریح به اینکه در گذشته بانکهای ملی و مرکزی نتوانستند ارزش ریال را در داخل و خارج از کشور حفظ کنند آقای وزیر ارای اضافه میکنند . " دستگاه با عظمت بانک ناشر اسکناس در گذشته مجهز برای تعیین سیاست و تشخیص روش مالی و اقتصادی نبود و بهمین جهت اراجیفی از قبیل تورم دلار شایع شد و اشتباهات بزرگی از قبیل تصویب قانون استفاده از مازاد پشتوانه برای صنعت

و فلاحت روی داد و اکثر اوقات بانک مشوق نظریات غلط واقع میشد و بدین ترتیب سیاست دولتهای قبلی را که در نتیجه تغییر ارزش دلار توانسته بود در مقداری از پشتوانه طلا و ارز اسکناس را بصورت وامهای با اصطلاح تولیدی در اختیار نورچشمی های دستگاه قرار دهند محکوم میکنند . " تورم دلار " یعنی داشتن دلار اضافی که مورد استفاده قرار نمیگیرد جز " اراجیف " و استفاده از مازاد پشتوانه اسکناس حتی برای صنعت و فلاحت از جمله " اشتباهات بزرگ " است . اما طرحی که آقای بهنیا برای ملت ایران تدارک دید هاند چیزی جز تکرار همین " اراجیف " و ادامه همان " اشتباهات بزرگ " بنظر نمیرسد زیرا منظور و مقصود ایشان از نوشتن یک مقاله بسیار متوسط و پر از ندانستگیهای اقتصادی فقط ابراز دو نظریه ذیل است .

۱- که مبلغ نه میلیارد و چهارصد و سی هفت میلیون ریال ارزش طلا و ارزی که بمنظور حفظ ارزش پول در خزانه های بانک نگهداری میشود " غیر قابل استفاده " مانده است و در حقیقت باید در اختیار دولت یا ایشان گذاشته شود تا بمصرف برسد .

۲- که در برابر نشر اسکناس حتی سپردن چهل درصد طلا یا ارز بعنوان پشتوانه که قانون معین کرده است بیفایده است و دست دولت را باید بدون هیچگونه محدودیتها در نشر اسکناس آزاد گذارد .

بنا بعقیده آقای بهنیا " مفهوم پشتوانه در ایران مفهومی است کهنه " زیرا از نظر ایشان " گذشته از بیفایده بودن ذخیره موجود برای حفظ ارزش پول به نکتتهای اساسی تر باید توجه داشت که اجرای این ترتیب قانونی عملاً " غیر مقدر است ضمن ارتکاب یک اشتباه بسیار ابتدائی اقتصادی میگویند . " پول از وسایل تشکیل سرمایه است با پول سرمایه پیشرفت مادی عملی میگردد و با پیشرفت مادی پیشرفت معنوی ممکن خواهد بود " و بدینوسیله میخواهند نتیجه بگیرند که هر چه بر میزان پول افزوده شود بر میزان سرمایه گذاری و در نتیجه بر درآمدها افزوده خواهد شد و لذا نباید در راه افزایش پول موانعی ایجاد کرد ایشان صریحاً اظهار میدارند که . " بامقررات موجود که انتشار اسکناس مستلزم ذخیره ۴۰٪ ارزش طلا است ما در مقابل این وضع ناپسند و غیر معقول قرار گرفتیم که با هر عمل تولیدی یا غیر تولیدی که نتیجه آن بهبود وضع و بنابراین افزایش پول در گردش است مقداری از قدرت مالی بانک مرکزی را کسر کرده و سرمایه های که در جریان بودن آن برای ما حیاتی است بسرطایه راگد تبدیل میکنیم واضح است که ایشان هنوز مفهوم پول در گردش را درک نکرده و متوجه نشده هاند که اسکناس و پیشیز قسمت کوچکی از حجم پول در گردش را تشکیل میدهند و بهر حال افزایش میزان اسکناس و پیشیز برای رفع حوائج مردم يك امر فنی است که حجم آن در سالهای اخیر چندان قابل ملاحظه نبوده است . مثلاً از پایان سال ۱۳۳۵ تا آخر مرداد ۱۳۴۱ فقط در حدود ۲ میلیارد ریال بر میزان اسکناس منتشره افزوده شد که از نظر تامین پشتوانه فقط معادل چهل درصد آن یعنی برابر ۸/۲ میلیارد ریال به طلا و ارز احتیاج بود و نمیتوان ادعا کرد که این مبلغ در طی پنج سال و نیم تحمیل بزرگی بر منابع ارزی کشور بوده است . بهر حال آقای وزیر ارای در نظر نگرفتند که در عرف بین المللی هر مملکتی لااقل باید همیشه معادل ۲۵ الی ۳۳ درصد از حجم واردات سالیانه خود را بصورت ذخیره ارزی در دست داشته باشد تا در مقابل هرگونه مشکلات احتمالی و غیر قابل پیش بینی معاملات بازرگانی خارجیش دچار وقفه نگردد . در حالیکه واردات ایران نزدیک به ۶۰۰ دلار در سال است بدیهی است که نگهداری مبلغی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار ذخیره ارزی بهیچ عنوان زیاده از حد نیست . و چون مجموع طلا و ارزی که در اختیار دولت ایران است (اعم از پشتوانه اسکناس و یا طلا و ارز آزاد یکه قانوناً قابل استفاده است) پس از در نظر گرفتن بدیهی ایران به صندوق بین المللی پول از میزانیکه در عرف بین المللی برای حجم واردات ایران ضروری است بیشتر نصیاشد هر گونه دست درازی به ذخایر ارزی کشور و برداشت از پشتوانه پول بشهر کشور و موجب تشدید عدم اطمینان منابع بانکی و مالی در بناسبت به پول و وضع اقتصادی کشور است . اگر در قانون پیش بینی شده است که در برابر نشر اسکناس باید چهل درصد طلا یا ارز بعنوان پشتوانه به بانک مرکزی سپرد نه از آنجهت است که قانونگذاران مطالب پیش یا اقتضای بهنیا را نمیدانستند بلکه منظور از گنجاندن این شرط این بوده است که در برابر دولتهای غیر مسئول و مسرف که هیچ منظوری جز تفریط و حیف و میل منابع کشور را ندارند مانده بی ایجاد کرده باشند تا هر وزیر ارای بیگفایتی که نمیتواند بودجه کشور را از طریق حذف هزینه های غیر ضروری و تجملی اداری و نظامی و یا اخذ مالیات های بیشتر از طبقات پردرآمد متعادل کند موفق نشود طبق دلخواه خود ماشینهای چاپ اسکناس را بکار اندازد و از راه تورم پول مصالح کشور را در معرض خطر قرار دهد اگر در راهای ممالک دیده میشود که نشر اسکناس احتیاج به پشتوانه ندارد نباید تصور کرد که آن ممالک فاقد ذخیره ارزی بوده و یا دولتهای آنها آزاد اند بدلخواه خود تمام مشکلات مالی خود را از طریق چاپ اسکناس حل کنند . حسن مسئولیت مقامات مالی و بانکی این کشورها بجای است که عملاً " کار خلاق مصلحت بندرت انجام میگردد و بهر حال وجود پارلمان و مطبوعات و آزادی مردم در انتخاب دولت مورد اعتماد خود بهترین ضمانت آنست که منافع عمومی از هر حیث رعایت گردد .

افتخار به شریعت رضوی - قند چینی - بزرگ نیایا مردانیکه در راه میهن و برای استقلال و آزادی ایرانی شهید شدند